

Research Article

Comparative Study of the Status of Corporal Punishment in Quranic Literature with Human Rights Documents

Zohrelloh Verdi¹, Zeinab Pourkhaghan^{2*}, Alireza Ansari²

Abstract

One of the concerns of international human rights documents is the preservation of human dignity. Accordingly, international human rights organizations have described many corporal punishments with titles such as inhuman, cruel and degrading punishments and, in light of the documents related to the prohibition of torture and execution, have tried to prohibit the application of such punishments and prohibit governments from imposing and implementing them as a guarantee for the execution of crimes. In contrast, the teachings of Imamiyya jurisprudence generally allow and recognize corporal punishments that are derived from Islamic law and emphasize that these punishments should be implemented as a guarantee for the execution of crimes. This research was conducted using an analytical-comparative method. The results of the studies show that the difference in the views of other schools of thought with Islam is rooted in the philosophy of punishment. In the thoughts of different schools, there are theories such as healing and satisfaction, compensation, social benefit theory, crime reduction, prevention and intimidation, reformation and education of criminals, and absolute justice. In contrast, the philosophy of punishment in Islam deals with the manifestation of divine mercy towards criminals and non-criminals and has different dimensions: first, the manifestation of divine mercy towards criminals, which includes the reduction of punishment in the hereafter, atonement for sins, and purification and reformation of criminals; and second, the manifestation of divine mercy towards non-criminals, which emphasizes the preservation of the social order, deterrence, and the realization of justice. This research, by comparative examination of the status of corporal punishment in Quranic literature and human rights documents, attempts to clarify the fundamental and principled differences in these two approaches.

Keywords: Corporal Punishment, International Documents, Human Rights

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University of Isfahan, Iran

2. Department of International Law, Khorasgan Branch, Islamic Azad University of Isfahan, Iran

How to Cite: Verdi Z, Pourkhaghan Z, Ansari A., Comparative Study of the Status of Corporal Punishment in Quranic Literature with Human Rights Documents, Journal of Comparative Literature Studies, 2025;19(76):191-214.

بررسی تطبیقی وضعیت مجازات بدنی ادبیات قرآنی با اسناد حقوق بشر

زهره الله وردی^۱، زینب پورخاقان^۲، علی رضا انصاری^۲

چکیده

یکی از دغدغه‌های اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حفظ کرامت انسانی است. بر همین اساس، سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر بسیاری از مجازات‌های بدنی را با عناوینی نظیر مجازات‌های غیرانسانی، ظالمانه و تحقیرآمیز توصیف کرده‌اند و در پرتو اسناد مربوط به ممنوعیت شکنجه و اعدام، تلاش نموده‌اند تا اعمال این گونه مجازات‌ها را منع نمایند و دولت‌ها را از وضع و اجرای آن‌ها به عنوان ضمانت اجرای جرایم منع کنند. در مقابل، آموزه‌های فقه امامیه، عموم مجازات‌های بدنی را که برگرفته از شریعت اسلام هستند، مجاز دانسته و به رسمیت می‌شناسند و تأکید دارند که این مجازات‌ها به عنوان ضمانت اجرای جرایم اجرا شوند. این پژوهش به روش تحلیلی - تطبیقی انجام شده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که تفاوت در دیدگاه‌های مکاتب دیگر با اسلام ریشه در فلسفه مجازات دارد. در اندیشه‌های مکاتب مختلف، نظریاتی نظیر تشفی خاطر و ارضا، جبران خسارت، نظریه فایده اجتماعی، کاهش جرم، پیشگیری و ارباب، اصلاح و تربیت مجرم و عدالت مطلقه وجود دارد. در مقابل، فلسفه مجازات در اسلام به تجلّی رحمت الهی نسبت به مجرم و غیرمجرم پرداخته و دارای ابعاد متفاوتی است: نخست، تجلّی رحمت الهی نسبت به مجرم که شامل کاهش عذاب اخروی، کفاره گناه و تهذیب و اصلاح مجرم است؛ و دوم، تجلّی رحمت الهی نسبت به غیرمجرم که بر حفظ نظام اجتماعی، بازدارندگی و تحقق عدالت تأکید دارد. این تحقیق با بررسی تطبیقی وضعیت مجازات بدنی در ادبیات قرآنی و اسناد حقوق بشر، سعی در روشن‌سازی اختلافات بنیادین و اصولی در این دورویکرد دارد.

واژگان کلیدی: مجازات بدنی، اسناد بین‌المللی، حقوق بشر

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، ایران

۲. گروه حقوق بین الملل واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، ایران.

ایمیل: z.pourkhaghan@khuif.ac.ir

نویسنده مسئول: زینب پورخاقان

مقدمه و بیان مسئله

مجازات بدنی یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در زمینه حقوق بشر و نظام‌های حقوقی مختلف است. در حالی که بسیاری از کشورهای جهان به‌ویژه در چارچوب نظام‌های حقوق بشری، بر لزوم حفظ کرامت انسانی تأکید می‌کنند، برخی دیگر بر اساس آموزه‌های دینی و فرهنگی خود، مجازات‌های بدنی را به عنوان راهکارهایی مؤثر در مقابل جرائم می‌دانند. از این رو، بررسی تطبیقی وضعیت مجازات بدنی در ادبیات قرآنی و اسناد حقوق بشر می‌تواند به درک بهتری از این تناقضات کمک کند.

در سطح بین‌المللی، سازمان‌های حقوق بشری و کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بشر، مجازات‌های بدنی را تحت عناوینی نظیر شکنجه، رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز، غیرقانونی می‌شمارند. اسناد مختلفی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به‌صراحت بر ممنوعیت این نوع مجازات‌ها تأکید کرده و دولت‌ها را از وضع و اعمال آن‌ها منع کرده‌اند. در این اسناد، حق زندگی و کرامت انسانی به عنوان اصول بنیادین در نظر گرفته شده و هرگونه مجازات که با این اصول در تضاد باشد، به چالش کشیده می‌شود.

در مقابل، ادبیات قرآنی به‌ویژه در زمینه مجازات بدنی، دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه می‌دهد. آموزه‌های اسلامی بر اساس شریعت، بسیاری از مجازات‌های بدنی را به‌عنوان ابزارهای قانونی برای حفظ نظم اجتماعی و بازدارندگی در نظر می‌گیرند. این مجازات‌ها، به‌ویژه در قالب حدود، قصاص و تعزیرات، به منظور تأمین عدالت و جلوگیری از وقوع جرم، در نظر گرفته شده‌اند. در این چارچوب، مجازات‌ها به عنوان ضمانت‌های اجرای قوانین اسلامی قلمداد می‌شوند.

این تضاد میان رویکردهای حقوق بشری و آموزه‌های دینی، نیازمند یک تحلیل عمیق و دقیق است. در حالی که نظام‌های حقوق بشری بر لزوم حفظ کرامت انسانی و منع مجازات‌های غیرانسانی تأکید می‌کنند، نظام جزایی اسلام بر اساس آموزه‌های دینی و فلسفه‌های خاص خود، مجازات‌های بدنی را در مواردی توجیه می‌کند (صالحی، ۱۳۹۸، ۶۲). بررسی این تفاوت‌ها می‌تواند به شناخت بهتری از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نظام‌های حقوقی و فرهنگ‌های مختلف کمک کند.

از سوی دیگر، این تحقیق به دنبال آن است که با روش تحلیلی - تطبیقی، وضعیت مجازات بدنی در ادبیات قرآنی و مقایسه آن با اسناد حقوق بشر را بررسی کند. با توجه به مباحث مطرح‌شده، می‌توان به این نتیجه رسید که فلسفه مجازات در نظام‌های مختلف ریشه در دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی آن‌ها دارد. بررسی این موضوع می‌تواند به فهم بهتر روابط میان مجازات بدنی، حقوق بشر و فرهنگ‌های مختلف کمک کند و افق‌های جدیدی را برای

گفت‌وگو و تبادل نظر فراهم سازد. به طور خلاصه، مطالعه تطبیقی وضعیت مجازات بدنی در ادبیات قرآنی و اسناد حقوق بشر به ما این امکان را می‌دهد که نقاط قوت و ضعف هر دو رویکرد را شناسایی کرده و به بحث‌هایی در زمینه تطابق یا عدم تطابق میان اصول انسانی و قانونی در جوامع مختلف بپردازیم. این تحلیل نه تنها به شناخت بهتر نظام‌های حقوقی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند منجر به گفتمان‌های مفیدتری در زمینه حقوق بشر و مجازات‌های بدنی شود.

پیشینه تحقیق

سوما^۱ (۲۰۱۴) در تحقیقی تحت عنوان "فرصت اصلاحات یا فرصت از دست رفته"، در سیاست مجازات بدنی اعدام انجام داده است. از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر تاکنون، سازگاری مجازات اعدام با معیارهای پذیرفته شده در نظام بین‌المللی حقوق بشر به حداقل رسیده است، که هدف طراحان اعلامیه آن بوده است که مجازات اعدام نباید در مورد محکومین به مرحله اجرا درآید. فراین تصویب اعلامیه، چنین دیدگاهی را تقویت می‌کند. در آن زمان، اکثر دولت‌های عضو سازمان ملل بجز هفت کشور، مجازات اعدام را در قانون داخلی خود حفظ کرده بودند.

ننامانی اوگیو (۲۰۰۵) در تحقیقی با عنوان "مجازات‌ها در حقوق کیفری اسلامی در تضاد با کرامت انسانی: تجربه نیجریه" بیان می‌کند از سال ۱۹۹۹ دوازده ایالت شمال نیجریه کاربرد نظام حقوقی شریعت را از حقوق شخصی به تمام جنبه‌های قانون مدنی و همچنین به حوزه حقوق جزا گسترش دادند. مجازات‌های مقرر در قوانین جزایی شرعی شامل مجازات‌های بدنی، اعدام با سنگسار، شلاق حدی، با چوب، قطع دست یا پا یا هر دو و جزای نقدی سنگین است. رویه قضایی داخلی و خارجی به وضوح نشان می‌دهد که بیشتر این مجازات‌ها نقض حقوق کرامت انسانی است که توسط قانون اساسی ۱۹۹۹ نیجریه و اسناد بین‌المللی حقوق بشر که نیجریه عضو آن است تضمین شده است.

قاضی زاده و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله با عنوان "دیدگاه قرآن نسبت به تقیه و تحدید مجازات بدنی با نگاهی به روایات و احادیث" بیان می‌کند تقیه به مثابه قاعده‌ای فقهی است که در صورتی که کیان و اساس نظام و حاکمیت اسلامی به خطر بیفتد میتوان به طور موقت مجازات بدنی را تعدیل و یا تبدیل به اسقاط نمود.

سؤالات

۱. چه اشتراکات و تفاوت هایی بین اسناد بین المللی حقوق بشر و فقه امامیه در بحث مجازات های بدنی وجود دارد؟
۲. آیا بین اسناد بین المللی حقوق بشر و فقه امامیه در بحث مجازات ها مطابقتی وجود دارد؟
۳. چه انتقاداتی به اسناد نظام بین المللی حقوق بشر مطرح است؟
فرضیات:

۱. هر دو در حفظ کرامت انسانی مشترک هستند و اختلاف آن ها در مشروعیت انطباق قوانین می باشد.
۲. در بحث کرامت انسانی مطابقت وجود دارد به طوری که در قوانین جزایی اسلام در شرایط خاص می تواند مجازات ها تخفیف و یا حتی لغو گردد.
۳. انتقاد مهمی که به نظام بین المللی حقوق بشر در وضع قوانین وارد است ریال عدم توجه به دین ، مذهب، ملیت و آداب و رسوم ملتها می باشد.

تعریف شکنجه

از نظر این کنوانسیون شکنجه چنین تعریف می گردد هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال می شود، شکنجه نام دارد. (همچنین) مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است و یا احتمال می رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامی که وارد شدن این درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می شود. (ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه)

شکنجه جسمی: عبارت است از هر عملی که به جسم و بدن فرد آسیب برساند. این نوع شکنجه مفهوم بسیار وسیعی را در بر می گیرد که بعضاً از جوامع سنتی گذشته و محدود مانند قبیله آغاز شده و به مراتب در جوامع امروزی هم به نحوی وجود دارد مانند نگه داشتن فرد در حالت گرسنگی و تشنگی تا محروم نمودن وی از بهداشت ، درمان ، تزریق مواد افیونی ، بی خوابی و سایر مواردی که مستقیم به جسم شخص در ارتباط باشد

شکنجه روانی (روحی): این نوع شکنجه بر خلاف شکنجه جسمی به تمامیت جسمی انسان آسیب نمی رساند ؛ بلکه در مواردی که شکنجه ی جسمی به نتیجه نرسیده یا به نحوه ی اعمال آن به صلاح نباشد، به کار می رود. فشار روانی ممکن است مستقیماً خود فرد را تحت الشعاع قرار

داده و یا به صورت غیر مستقیم، بستگان نزدیک مانند والدین، خواهر و برادر، همسر و فرزندان شخص را تحت فشار قرار دهند. مانند تهدید به دستگیری و یا محرومیت خاص یا بردن آبرو و حیثیت یکی از آنها باشد (حیدری پور، شماره ۵: ۱۶۰)

تعریف مجازات طبق کنوانسیون مذکور:

هر نوع جرمه، مجازات یا حبس که بر شخص توسط مقامات صلاحیت دار و طبق رأی دادگاه به خاطر بعضی از جرایم یا خلاف ها که به وسیله او انجام گرفته و یا به خاطر قصور و کوتاهی کردن در انجام وظیفه قانونی تحمیل می شود، مجازات نوعی محرومیت از مال و بعضی حقوق است، اما این تعریف شامل مجازات های حقوقی که با منافع شخصی یک فرد در ارتباط است، همانند محرومیت از یک منفعت، نمی شود. ابتدا مجازات می تواند به صورت غیرمتعارف نیز صورت گیرد. جدیدترین قطع نامه کمیسیون حقوق بشر نیز مجازات بدنی را در ردیف شکنجه قرار داد. بند ۹ قطع نامه شماره ۱۹۹۷/۳۷ (۱۹۹۷) به دولت ها خاطرنشان ساخت که مجازات بدنی می تواند برابر با مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده یا حتی شکنجه باشد.

تعریف رفتار غیرانسانی طبق کنوانسیون مذکور:

رفتار غیر انسانی این عبارت که در کنوانسیون «ممنوعیت شکنجه و رفتار یا مجازات خشن غیرانسانی و یا تحقیرکننده» آمده است، همانند سایر مفاهیم، از پیچیدگی خاص خود برخوردار است. هیچ نوع اتفاق و یا حتی شهرتی درباره این عبارت وجود ندارد. کارشناسان و سازمان های گوناگون بین المللی تنها به ذکر بعضی از مصادیق پرداخته و از ارائه هر نوع تعریفی که زوایای این مفهوم را روشن کند، خودداری کرده اند. این مشکل در مورد عبارت «تحقیرآمیز» و «ظالمانه» نیز مطرح می باشد. هر عملی که با کرامت ذاتی انسان در تعارض باشد و نوعی توهین به او تلقی شود در معنای این لغت جای می گیرد که بسته به انواع فرهنگ ها، باورها و اعتقادات، می تواند تغییر کند. سوزاندن یک جنازه در جایی رفتار غیرانسانی است و در جای دیگر نوعی ادای احترام. اما باید اذعان کرد که در بین تمام ملل، مصادیق قطعی و مشترک همانند موارد مزبور وجود دارد (راعی، ۱۳۸۱: ۵۴)

حدود:

جرایم یا محرماتی که موجب حد (مجازات های معین در شریعت) است عبارتند از: زنا و توابع آن، قذف (نسبت زنا و لواط به کسی دادن)، شرب خمر، سرقت، قطع طریق (که از مصادیق محاربه با خدا و رسول و افساد در روی زمین است) و سایر محرمات موجب تعزیر است. انواع مجازات های حدی: انواع حد شامل اعدام، قطع عضو، شلاق، رجم، صلب و تبعید می باشد. اما

نکته بسیار مهمی، در خصوص مجازات حدی وجود دارد و آن، لزوم آگاهی فرد مرتکب، به حرمت رفتار شرعی خود است. (عاملی، بهاء الدین ۱۴۲۹ ه.ق، ۹۲۳)

الف) اسناد بین المللی

اعلامیه جهانی حقوق بشر:

اعلامیه یاد شده شامل ۳۰ ماده است که به توضیح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق همه انسان ها می پردازد. این اعلامیه یک پیمان بین المللی است که در انجمن عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ سپتامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسیده است و برای اولین بار حقوقی را که تمام انسان ها سزاوار آن هستند را به صورت جهانی بیان می دارد. این اعلامیه به حقوق فردی مانند حق زندگی (از جمله اعدام، جنگ، سقط جنین و...) و منع برده داری می پردازد. هیچ کس را نمی توان شکنجه کرد یا مورد عقوبت یا روش وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار داد (متن اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۵)

در اعلامیه جهانی حقوق بشر علاوه بر این که از واژه شکنجه تعریفی به عمل نیامده، بلکه ضمانت اجرایی هم برای آن پیش بینی نشده است. مواد این اعلامیه فقط در حد یک توصیه اخلاقی باقی مانده است (به نقل از رضایی، شماره ۲: ۴۷)

نکته ی حائز اهمیت این است که هر چند قوانین و مقررات ایران در باب موضوع ممنوعیت شکنجه تا حدودی ناقص و در موارد خاص و با هدف مشخص و در حیطه ی مأموران وابسته به حکومت بیان شده است؛ ولی برخلاف اعلامیه ی جهانی حقوق بشر که جنبه ی توصیه ای و اخلاقی دارد، دارای ضمانت اجرای نسبتاً مناسبی می باشد (حیدری پور، ۱۳۹۹: ۱۶۲)

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:

این میثاق یکی از عهدنامه های سازمان ملل متحد بر پایه ی اعلامیه ی جهانی حقوق بشر است. که در ۱۶ سپتامبر ۱۹۶۶ ایجاد شد و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ برابر با ۳ فروردین ۱۳۵۵ لازم الاجرا شد. دولت ایران در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۷ این میثاق را امضا کرد و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ آن را به تصویب رساند و به این ترتیب به آن اعتبار بخشیده و خود را به آن متعهد ساخته است. مزیتی که پیمان میثاقین نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد این است که؛ بر این اساس منع شکنجه در هیچ یک از حالات و یا وضعیت های بحرانی یا اضطراری را نمی توان نادیده گرفت به عبارت دیگر اگر در کشوری حالت جنگی و یا فوق العاده اعمال گردد؛ نمی توان با استناد به این موارد و برای اهداف خاصی حتی حفظ امنیت، به شکنجه روی آورد. در این مورد هیچ یک از مقامات کشوری حق ندارند شرایط مذکور را دلیل بکارگیری شکنجه قلمداد نمایند. در

واقع هیچ گونه علل مخففه و توجیه کننده، جهت این موضوع در میثاق وجود ندارد که بتوان به آن استناد نمود. همچنین دولت های عضو، حق استرداد و یا اخراج افرادی که در معرض شکنجه هستند را به کشوری ندارند. از طرفی نیز نمی توانند عاملان شکنجه را مورد بخشودگی و عفو قرار دهند (حیدری پور، شماره ۵، ۱۶۳)

کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا ترذیلی:

یک دستورالعمل حقوق بشر بین المللی در ملل متحد برای جلوگیری از شکنجه و دیگر قوانین مجازات های ظالمانه و غیر انسانی در سراسر جهان است. این کنوانسیون دولت ها را ملزم می کند که در هر قلمروی تحت حوزه قضایی آن ها برای پیش گیری از شکنجه، اقدامات تاثیرگذاری را اتخاذ کنند. متن کنوانسیون در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تنظیم و در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ به مرحله اجرا گذاشته شد. هم اکنون ۲۶ ژوئن به احترام این کنوانسیون به صورت رسمی به عنوان روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه شناخته می شود. از زمان اجرای این کنوانسیون، ممنوعیت قطعی علیه شکنجه و دیگر قوانین رفتارهای یا مجازات های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز به عنوان اصل حقوق بین الملل عرفی پذیرفته شده است.

کنوانسیون های چهارگانه ژنو (کنوانسیون ژنو در خصوص حفاظت از اشخاص غیر نظامی در زمان جنگ یا کنوانسیون چهارم ژنو):

این کنوانسیون در اوت ۱۹۴۹ تصویب و در اکتبر ۱۹۵۰ لازم الاجرا شد. به کنوانسیون ژنو که ابتدا تصویب شده بود مربوط به رزمندگان جنگ بودند اما کنوانسیون چهارم اولین معاهده ای بود که به حفاظت بشردوستانه از غیر نظامیان در مناطق جنگی توجه میکرد. در حال حاضر ۱۹۶ کشور از جمله ایران عضو کنوانسیون های چهارگانه ژنو از جمله کنوانسیون چهارم هستند.

- * ممنوعیت قتل و شکنجه و آزار جسمی افراد تحت حمایت در کنوانسیون های ژنو.
- * ممنوعیت مجازات دسته جمعی، غارت، گروگان گیری. (متن کنوانسیون چهارم ژنو).

کنوانسیون منع شکنجه و مجازات کشتار دسته جمعی (نسل کشی یا ژنوساید)

کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی یا کنوانسیون نسل کشی، یک معاهده بین المللی است که نسل کشی را جرم انگاری می کند و دولت ها را ملزم به عدم انجام آن می کند. این کنوانسیون، نخستین سند قانونی برای تدوین نسل کشی به عنوان یک جنایت و نخستین معاهده حقوق بشر بود که به اتفاق آرا توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۹ دسامبر

۱۹۴۸ تصویب شد. این کنوانسیون در ۱۲ ژانویه ۱۹۵۱ لازم‌الاجرا شد و دارای ۱۵۲ کشور عضو است. این کنوانسیون، نسل‌کشی را با عنوان «تلاش عمدی برای نابودی کامل یا جزئی یک گروه بر اساس ملیت، قومیت، نژاد یا مذهب آن‌ها تعریف می‌کند برای رهایی عالم انسانیت از چنین بلیه وحشتناک همکاری بین‌المللی ضرورت دارد در مراتب ذیل موافقت حاصل نمودند:

* ممنوعیت قتل، آسیب، مجازات و... قومی و نژادی طبق این کنوانسیون:*

کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده (کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه)

کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده (همچنین شناخته شده با عنوان کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه یک دستورالعمل حقوق بشر بین‌المللی در ملل متحد برای جلوگیری از شکنجه و دیگر قوانین مجازات‌های ظالمانه و غیر انسانی در سراسر جهان است. متن کنوانسیون در دهم دسامبر ۱۹۸۴ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تنظیم شد و به دنبال تصویب آن توسط بیست و یک کشور موافق، در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ به مرحله اجرا گذاشته شد. هم‌اکنون ۲۶ ژوئن به احترام این کنوانسیون به صورت رسمی به عنوان روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه شناخته می‌شود. از زمان اجرای این کنوانسیون، ممنوعیت قطعی علیه شکنجه و دیگر قوانین رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز به عنوان اصل حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است. از مارس ۲۰۱۶، ۱۵۹ کشور در این کنوانسیون شرکت کرده‌اند که شامل ایران نبوده است (متن کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده (کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه)

کنوانسیون منع و مجازات جنایت آپارتاید

با در نظر گرفتن اعلامیه جهانی حقوق بشر که طی آن اعلام شده است که تمام افراد بشر آزاد به دنیا آمده‌اند و از نظر شأن و حقوق برابر می‌باشند و هر کسی بدون هیچ تمایزی از جمله نژاد، رنگ و ریشه ملیت، محق بر برخورداری از کلیه حقوق و آزادی‌های مقرر در اعلامیه می‌باشد. از نظر این کنوانسیون؛ واژه «جنایت آپارتاید» که سیاست‌ها و رویه‌های مشابه جدایی نژادی و تبعیض نژادی را که در آفریقای جنوبی می‌گردد، شامل می‌شود، به دیگر اعمال غیر انسانی که به منظور ایجاد و برقراری سلطه یک گروه نژادی بر گروه دیگر انجام می‌گردد و به طور سیستماتیک آنان را مورد ظلم قرار می‌دهد نیز اطلاق می‌گردد. (ماده ۲ کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹)

اسناد منطقه ای بین المللی

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر رسمی کنوانسیون برای حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی)، یک معاهده ی بین‌المللی برای حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در اروپاست. طبق ماده ۳ این کنوانسیون: هیچکس نباید شکنجه شده یا در معرض رفتارها و مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد. (کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۱۶)

منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا^۲

منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا در نظام حقوقی اتحادیه اروپا منشور حقوق شهروندی برای برخی حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای شهروندان و ساکنان اتحادیه اروپا در قوانین این اتحادیه تصریح شده است. این پیش‌نویس توسط کنوانسیون اروپا تهیه و در ۷ دسامبر ۲۰۰۰ توسط پارلمان اروپا، شورای وزیران و کمیسیون اروپا به‌طور رسمی اعلام شد. این منشور به منع شکنجه مجازات‌ها و رفتارهای غیر انسانی یا تحقیرآمیز پرداخته است: هیچ کس را نمی‌توان تحت شکنجه یا رفتارهای یا مجازات‌های غیر انسانی و تحقیرآمیز قرار داد (کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ۱۳۸۹، ۱۰۹)

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۳:

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر که همچنین به کنوانسیون سان خوزه (کاستاریکا) معروف است، یک معاهده ی حقوق بشری بین‌المللی است که در بسیاری از کشورهای نیم‌کره ی غربی به کار می‌رود و در سن خوزه (کاستاریکا) تشکیل شد. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر از جمله معاهدات الزام‌آور منطقه‌ای حقوق بشر است، که در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ در کنفرانسی بین کشورهای آمریکایی در سان خوزه (کاستاریکا) تأسیس شد و پس از تصویب در معرض کشورهای آمریکایی قرار داده شد تا امضاء کنند، در نهایت در هجدهم ژوئیه ۱۹۷۸ به اجرا گذاشته شد. این سند در ابتدا توسط ۱۱ کشور به امضا رسید. معاهده سن خوزه با معاهده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وجوه مشترک دارند و می‌توان معاهده سان خوزه را انعکاس حقوق بشر فردی یا حقوق نسل اول در دو معاهده ی قبلی دانست. این کنوانسیون به

-
1. European Convention on Human Rights
 2. Charter of Fundamental Rights of the European Union
 3. American Convention on Human Rights

حق حیات و حق بر رفتار و برخورد انسانی و ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسان، تحقیر آمیز و ظالمانه می پردازد (کمیسیون حقوق بشر اسلامی ۱۳۸۹ ص ۱۱۱).

منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت ها

منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت ها، از جمله مهمترین اسناد و معاهدات منطقه ای حقوق بشری در نظام آفریقایی حقوق بشر به شمار می آید که در راستای به رسمیت شناختن هنجارهای حقوق بشری و حمایت و ترویج حقوق بشر و آزادی های اساسی در این نظام به تصویب رسیده است.

منشور آفریقایی حقوق بشر که در سال ۱۹۸۱ به وسیله سازمان وحدت آفریقا (در حال حاضر اتحادیه آفریقایی) مورد تصویب قرار گرفته، در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶ قابلیت اجرا پیدا نموده و از سال ۱۹۹۵ میلادی توسط تمامی ۵۳ کشور عضو اتحادیه آفریقایی مور تصویب قرار گرفته است. که در بخش اول به حقوق فردی مندرج در منشور آفریقایی می پردازد از جمله حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده در این منشور به این شرح است: اصل عدم تبعیض حق برابری، حق حیات و تمامیت شخصی، حق کرامت و آزادی از بردگی، حق آزادی از مجازات و رفتارهای غیرانسانی، تحقیر آمیز و ظالمانه، حق آزادی از شکنجه و.. (کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ۱۳۸۹، ۱۱۳)

پیمان نامه حقوق بشر و آزادی های اساسی کشورهای مستقل مشترک المنافع مصوب ۱۹۹۵:

پیمان نامه حقوق بشر «کشورهای مشتر المنافع» (استقلال یافته پس از فروپاشی شوروی) در می ۱۹۹۵ به تصویب رسیده و از آگوست ۱۹۹۸ قدرت اجرایی یافته است. این پیمان نامه که در ۳۸ ماده تنظیم شده با بسیاری از عناوین حقوقی اعلامیه جهانی هم پوشانی داشته و متأثر از آن بوده است. این پیمان نامه به بحث حق حیات و به منع شکنجه و رفتار غیر انسانی پرداخته است. (کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ۱۳۸۹، ۱۱۶)

منشور عربی حقوق بشر (مصوب ۱۹۹۴ و بازنگری ۲۰۰۴):

نخستین منشور عربی حقوق بشر در ۴۳ ماده پس از مدت ها تقاضا از سوی سازمان های غیر دولتی در سال ۱۹۹۴ میلادی توسط اتحادیه عرب به تصویب رسید. منشور عربی، حقوق بنیادین زیر را که در اعلامیه جهانی نیز منعکس شده است در شمار حقوق مورد حمایت خود آورده است. ماده ۵ این منشور به حق حیات و ماده ۸ این منشور به منع شکنجه و رفتار غیر انسانی می پردازد. (کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ۱۳۸۹، ۱۱۴-۱۱۵)

منشور آسیایی حقوق بشر (مصوب ۱۹۹۸):

منشور آسیایی حقوق بشر منشوری است که توسط سازمان های غیر دولتی برای رفع خلاء فقدان سند منطقه ای بین الدولی حقوق بشر در سطح آسیا تنظیم شده است. بنابراین این منشور همتای سایر اسناد منطقه ای بین الدولی نمی باشد لیکن توجه به آن که نشان از جلوتر بودن شهروندان آسیایی از دولت هایشان می باشد خالی از فایده نخواهد بود. بنابر تصریح بند ۳ منشور یاد شده کلیه حقوق به رسمیت شناخته شده است. بنابراین اعلامیه جهانی حقوق بشر بالجمله در منشور آسیایی منعکس شده است. که در این منشور از حیات توأم با کرامت انسانی بحث کرده است. (کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ۱۳۸۹، ۱۱۷)

مجازات در فقه امامیه طبق آیات و روایات

مجازات های بدنی: اصولاً هدف از مجازات های اسلامی و حدود الهی، اصلاح جامعه و بازداشتن مجرمین از تکرار جرم و تنبیه آنان می باشد. در آیه شریفه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (ای عاقلان، حکم قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر از قتل یکدیگر بپرهیزید) اشاره به این جهت شده و قصاص را موجب حیات افراد دانسته است. یعنی قصاص قاتل، موجب تنبیه دیگران و بازداشتن آنان از ارتکاب قتل، و در نتیجه زنده ماندن افراد می باشد. مقصود از تقوا نیز که در ذیل آیه ذکر شده همان حصول حالت و ملکه کنترل افراد نسبت به ارتکاب قتل است. از طرف دیگر، اجرای حدود و تعزیرات دینی باید زیر نظر حاکمیت مشروع باشد، و حاکمیت تمام جهات را باید ملاحظه کند (منتظری نجف آبادی، ۱۴۲۹ ه ق، ۸۴ تا ۸۷)

حبس (مجازات سالب آزادی):

در هیچ یک از حدود، مجازات زندان پیش بینی نشده بود، اما به عنوان نوعی مجازات خارج از حدود، به اصطلاح متشرعه، نوعی تعزیر می توانست مورد توجه باشد. (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۲۹۸ ش: ۴۵۳) اجرای این مجازات با چالش های فراوانی مواجه شد و حکومت ها سعی در تغییر سیاست های خود مبنی بر مجازات حبس گرفتند. (فجری، علیرضا، ج ۱۴۸، ص ۹) (مجازات های جایگزین حبس مجازات های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی

از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می شود (متن قانون مجازات اسلامی، فصل نهم)

حبس بر دو نوع است: اول حبس مجازاتی، دوم حبس تحقیقی.

۱- حبس مجازاتی، آن است که افراد را طبق حکم حاکم، بعد از ثبوت جرم، به عنوان تأدیب و جزای جرم و جنایت در زمان محدود و مشخصی به زندان می اندازند.

۲- حبس تحقیقی آن بازداشتی است که به عنوان کشف جرم و تحقیق در مورد مسأله ای انجام می پذیرد تا جرم و یا عدم آن اثبات شود، و متهم، یا مجرم شناخته شده و یا تبرئه گردد. سندیت ندارد

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم مردم را به صرف تهمت نمی گرفت. فقط در یک روایت داریم که به مجرد اتهام، پیغمبر شخصی را در نصف روز بازداشت فرمود و بعد او را رها کرد. و هر اتهامی که اتفاق می افتاد پیغمبر بین مدعی و مدعی علیه را جمع می کرد و بر اساس «إِنَّمَا أَقْضِي بَيْنَكُمْ بِالْإِيمَانِ وَالْبَيِّنَاتِ» حکم می فرمود؛ و همانجا مطلب فیصله پیدا می کرد. و اگر أحياناً مدعی دلیلی علیه مدعی علیه نداشت، از مدعی علیه ضمانت می گرفتند و او را آزاد می کردند. و اگر مدعی علیه دلائلی می آورد، یا مدعی بعداً دلائلی می آورد و اثبات می کرد، بر طبق همان عمل می شد. و إلاً مدعی علیه آزاد بود، و تا هنگامیکه دعوی در نزد پیغمبر به ثبوت نرسیده بود هیچکس او را نمی گرفت.

شکنجه و تعذیب

افرادی را که بعنوان تحقیق بازداشت می کنند- بنا بر اینکه بگوئیم: حبس تحقیقی در حال ضرورت و در بعضی مواقع بدون إشکال است- شکنجه دادن و تعذیب نمودن آنان جائز نیست. به مجرد اتهام کسی را نمی توان تعذیب نمود؛ و إقراری که بر اساس شکنجه و تعذیب گرفته شود حجّیت ندارد و ثابت نیست. آن إقرار روی زمینه اضطراب و اضطرار بوده و حجّیت ندارد؛ و قاضی نمی تواند بر آن اساس حکم کند. إقرار و اعتراف باید در زمینه عدم شکنجه و تعذیب باشد. چون إقرار و اعتراف بر اساس شکنجه ملغی است و چنانچه گفته شود: اگر بقاء اسلام متوقف بر این امر باشد موجب جواز است؛ جواب داده می شود: کدام اسلام؟! اسلامی که با این ضوابط که از جمله مقدمات آن تعذیب افراد مبرّا و پاکی که حاکم نسبت به آنها سوء ظن پیدا کرده و آنها را شکنجه می دهد بخواهد قوام یابد، مورد نظر رسول خدا نخواهد بود (حسینی تهرانی، ۱۴۲۱ ه ق ، ۲۲۳ تا ۲۲۶ و بهجت ، ۱۴۲۸ ه ق، ص ۴۴۹)

شکنجه به معنای مصطلح در اسلام مطلقاً ممنوع است (منتظری نجفآبادی ۱۴۲۹ ه ق، ۱۱۲ و

حاکمیت حق ندارد برای اثبات جرم، متهمی را شکنجه و یا تهدید کند و او را به اعتراف مجبور کند. براساس روایات زیادی چنین اعترافی هیچ ارزش شرعی و قانونی ندارد و محکمه نمی‌تواند به استناد چنین اعترافی او را محکوم به مجازاتی نماید.

۱- ابوالبختری از امام صادق (ع) روایت می‌کند که علی (ع) فرمود: «کسی که هنگام تجرید (عریان کردن و کتک خوردن) یا ترساندن یا حبس یا تهدید، به جرمی اقرار کند، بر او حدی نیست».

۲- اسحاق بن عمار از جعفر و او از پدرش و وی از علی (ع) نقل می‌کند که فرمود: «دست متهمی که به نوعی از زدن ترسانیده شده قطع نمی‌شود. همچنین نمی‌توان او را در زنجیر کرد یا زندانی و شکنجه نمود و اگر متهم از روی میل و اراده خود به جرم اعتراف نکند بخاطر ترساندن وی «حد» از او ساقط می‌گردد» خلاصه کلام آنکه: تعزیر و شکنجه متهم به صرف احتمال و شک مشکل است، و ترتیب اثر دادن بر اعترافی که مبتنی بر شکنجه و تنبیه باشد مشکل‌تر از آن.

دراین باره در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل سی و هشتم آمده است: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹ هـ ق ج ۳، ۵۷۷ و ۵۸۱)

آیات مربوط به مجازات های حدی

در اسلام عمدتاً ده حدّ درباره چند گناه کبیره آمده است که تعداد چهار مورد از آن در قرآن مجید با صراحت ذکر شده و بقیه از سنت استفاده می‌شود. چهار موردی که در قرآن ذکر شده است عبارتند از:

۱- حدّ زنا: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید، و نباید رأفت [و محبت کاذب] نسبت به آن دو، شما را از اجرای حکم الهی مانع شود اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازات آن دو را مشاهده کنند).

۲- حدّ سرقت: در می خوانیم: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۱؛ (دستِ مرد دزد و زنِ دزد را، به کیفر عملی که انجام داده اند، به عنوان مجازات الهی قطع کنید؛ و خداوند توانا و حکیم است.

۳- حدّ قذف: در مورد مجازات کسانی که عمل منافی عفت را به افراد پاکدامن نسبت می دهند؛ «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (کسانی که زنان پاکدامن را [به زنا] متهم می کنند، سپس چهار شاهد [بر مدّعی خود] نمی آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید، و شهادتشان را هرگز نپذیرند؛ و آنها همان فاسقان اند).

(آیه ۴ سوره «نور»)

۴- حدّ مُحارب: در قرآن مجید در مورد اخلال گران به امنیت اجتماعی و آنها که حمله مسلحانه به جان و مال و ناموس مردم می کنند، مجازات بسیار شدیدی ذکر شده است؛ که می تواند افراد شرور را بر سر جای خود بنشانند. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۲؛ (کیفر کسانی که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می کنند [و با تهدید اسلحه به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند] فقط این است که اعدام گردند؛ یا به دار آویخته شوند؛ یا [چهار انگشت از] دست [راست] را و پای [چپ] آنها به عکس یکدیگر بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند، این رسوایی در دنیا است و در آخرت مجازات عظیمی دارند).

* روایت مربوط به اهمیت اقامه حدود

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِقَامَةُ حَدٍّ خَيْرٌ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. «عن عبدالرحمان الحجاج عن أبي إبراهيم عليه السلام: امام کاظم علیه السلام فرمود: اقامه حد در زمین، بهتر از چهل شبانه روز باران است. (کلینی، ۱۴۰۷، ه ق، ج ۷، ۱۷۴)

اعدام (مجازات سالب حیات)

اعدام در حقوق اسلامی: از نظر حقوق کیفری اسلام، اعدام به سه قسم قابل تقسیم است
اعدام قصاصی، اعدام حدی و اعدام تعزیری.

۱. آیه ۳۸ سوره مائده

۲. آیه ۳۳ سوره «مائده»

۱- اعدام قصاصی: این اعدام در موارد قتل عمد اجرا می‌شود و دارای شرایط خاصی است. حضور شاکی خصوصی در آن، به اندازه‌ای پررنگ است که آن را از قلمرو قواعد آمره خارج می‌کند، اجازه ولی فقیه و دیگر عوامل نیز در آن مؤثر است.

۲- اعدام حدی را می‌توان چنین تعریف کرد: مرگی است که از طرف شارع مقدس معین شده و نمی‌توان آن را به کمتر از مرگ تقلیل داد

۳- اعدام تعزیری: مجازات مرگی که از طرف حاکم معین می‌شود. بیشتر فقهای شیعه اعتقاد دارند که اصل در تعزیر ما دون حد است؛ ولی برای عدول از این اصل و اجرای مجازات بالاتر از حد می‌توان به یکی از سه علل زیر استناد کرده، اعدام تعزیری را جایز شمرد. این علل عبارت است از: مصلحت فرد و جامعه؛ قیام در مقابل افساد فی الارض و نهی از منکر. در میان فقهای اهل سنت نیز اختلاف هست؛ اما در برخی موارد، اعدام تعزیری را پذیرفته‌اند. در مورد اعدام، به ویژه اعدام قصاصی و حدی، مبانی حقوق کیفری اسلام با مبانی حقوق غربی ماهیتاً متفاوت است، چرا که در این نوع اعدام‌ها، قانونگذاری به قانون خدای متعال منحصر است و این با مکاتب حقوقی غربی متفاوت است که انسان را قانونگذار مطلق قرار داده‌اند. در اعدام‌های تعزیری، اگر مجازات بهتر و مؤثر تری یافت شد، حاکم می‌تواند با آن مجازات جایگزین عقاب دهد... (طارمی، ۱۳۷۶: ۶) هیچ ماده‌ای از مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر، در خصوص لغو مجازات اعدام نیامده است؛ ولی حقوق دانان بر اساس ماده ۵ این اعلامیه تأکید می‌کنند که مجازات اعدام غیر بشری است. در عین حال، چندین کنوانسیون و پروتکل بین‌المللی به گونه صریح خواهان لغو مجازات اعدام شده است؛ مانند: ماده ۶ کنوانسیون حقوق سیاسی و مدنی؛ ماده ۱ پروتکل حقوق سیاسی و مدنی و اعلامیه حقوق بشر اروپایی. (مصباح یزدی ۱۳۹۱، ج ۱، ۲۵۷ تا ۲۶۰)

تازیانه

وقتی مقرر شد کیفری با تازیانه اجرا شود، سه نکته جای بحث دارد: تازیانه چگونه باشد؟ نحوه زدن چگونه باشد؟ محکوم در چه حالتی باشد؟

پیامبر تازیانه‌ای خواست، تازیانه‌ای شکسته و فرسوده آوردند، فرمود: تازیانه‌ای دیگر بیاورید. تازیانه‌ای نو که هنوز از آن استفاده نشده بود آوردند، فرمود: تازیانه‌ای میان این دو تازیانه بیاورید. تازیانه آوردند که مستعمل و نرم شده بود، آنگاه پیامبر فرمان داد و آن شخص را با آن تازیانه زدند.

اما «زدن» باید میانه باشد، نه چندان شدید که بکشد و نه چندان آهسته که ایجاد درد نکند و مانع از ارتکاب مجدد نگردد. نه چندان دست را از بالا فرود آورند و نه چندان پایین و کوتاه گیرند که محکوم احساس درد نکند، چرا که علی علیه السلام فرموده است: «ضرب بین الضربین

و سوط بین السوطین.» اما حالت مضروب، اگر مرد است به حالت ایستاده زده شود، پیراهن او را بیرون نیاورند و ضربات بر همه بدنش پراکنده باشد، = نباید او را بست و نه بر زمین کشید و نه پایش را در قید کرد، دستان او آزاد گذاشته می شود تا بتواند خود را ننگه دارد، چرا که پیامبر (ص) به هیچ یک از این کارها فرمان نمی داد. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ هـ. ق، ۳۴۲ و ۳۴۳)

تعزیرات: اولاً مجازات کیفری مفهومی مشکک و دارای مراتب متفاوت است که از وعظ، توبیخ و تهدید به عنوان پایین ترین مراتب شروع می شود و ممکن است به مجازات سالب آزادی و اعدام به عنوان اعلی مراتب آن محقق شود. ثانیاً، مجازات خصوصاً مجازات تعزیری همواره امری بایسته و ضروری نیست و حاکم و قاضی جامع شرایط می تواند در صورت صلاحدید با توجه به مصالح فرد و جامعه، آن را تعیین کند یا تخفیف دهد و یا حتی حذف کند. (جمعی از مؤلفان، اول، هـ. ق، ۱۰۴)

نحوه تعیین مجازات تعزیری (التعزیر بما یراه الامام): برای تنبیه بزهکاران و متخلفین، حاکم اسلامی می تواند انواع مجازات های متناسب با جرایم ارتكایی، نظیر زندان، جریمه مالی، تبعید، نگهداری در مراکز تأمینی و تربیتی، محرومیت از مشاغل دولتی، تعطیل مراکز فعالیت و کار و نظایر آن را بر حسب شرایط زمان و مکان و توانایی های اشخاص، تعیین نماید. (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶ هـ. ق، ۲۲۲)

چرایی برتری دیدگاه اسلام در زمینه مجازات

الف) تحقق تمام شرایط متشکله

اجرای حد وقتی واجب است که جمیع ارکان و شرایط متشکله جرم به تحقق رسد و بدین گونه انتفاء هر یک از ارکان و شرایط موجب سقوط حد است و البته سقوط حد به این معنی نیست که مطلق مجازات ساقط شود، بلکه تبدیل به مجازات تعزیری می شود. زیرا اگر عمل مورد ارتكاب فی حد ذاته مشمول یکی دیگر از عناوین جزایی قرار بگیرد به تناسب با آن مورد تعقیب و مجازات واقع خواهد شد. (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹ هـ. ق، ۱۲۹)

ب) وجود شبهه (قاعده درء)

عروض هر شبهه ای اعم از موضوعی و حکمی در هر یک از ارکان سرقت موجب سقوط حد است که مبتنی است بر قاعده مسلّمه «تدرأ الحدود بالشبهات» و این قاعده از روایت معتبره «درءوا الحدود بالشبهات» اصطیاد شده است (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹ هـ. ق، ۳۱۶ تا ۳۱۸، بهجت گیلانی، فومنی، ۱۴۲۸ هـ. ق، ۴۶۲) عن ابی عبدالله (ع) عن ابیه عن آبائه امیرالمومنین (ع) عن رسول

الله(ص) انه قال: "ادرؤا الحدود بالشبهات و اقلوا الکرام عثراتهم إلا فی حد من حدود الله" حدود را با شبهات دفع کنید و لغزش های بزرگان را باز دارید، مگر در حدود الهی(ربانی، شماره ۳۷، ۵).

ج) جهل

جاهل قاصر در شرایطی است که به هیچ وجه نمی‌تواند به قانون دسترسی و آگاهی پیدا کند؛ مثل اینکه در مکان دور افتاده‌ای زندگی می‌کند که رابطه‌ای با مراکز علمی، دینی و رسانه‌ای ندارد و نمی‌تواند داشته باشد. این نوع ناآگاهی به «جهل قصوری» موسوم است و در حقوق جزای اسلامی موجب سقوط حدّ است. همچنین از مصادیق جهل قصوری موردی است که شخص کوتاهی نکرده، تفحص و تحقیق می‌کند؛ اما در عین حال از مفاد قانون اطلاع حاصل نمی‌کند. در چنین حالی جهل او عذر محسوب می‌شود(محقق داماد یزدی، ، ۱۴۰۶ هـ ق ، ۵۷)

اضطرار

ما من شیء حرّمه الله آلا و قد حلله لمن اضطرّ الیه؛ هیچ چیز را خداوند حرام نکرده مگر آنکه برای کسی که مضطر است حلال می‌شود. عن السکونی عن ابی عبد الله (ع) قال: لا یقطع السارق فی عام سنت. یعنی عام المجاعة؛ دست سارق در سال قحطی قطع نمی‌شود. قال الصادق (ع) من اضطرّ الی المیتة و الدم و لحم الخنزیر فلم یأکل شیئا من ذلک حتی یموت فهو کافر؛ امام صادق (ع) فرموده است: هر کس به گوشت مردار و خون و گوشت خوک مضطر شود و از آنها تناول نکند تا بمیرد، [به حکم خدا] کفر ورزیده است. گویا در این روایت، امام رفع اضطرار را واجب شرعی تلقی کرده و امتناع از آن را مخالفت با شارع و کفر به حساب آورده است. روایت مذکور علاوه بر دلالت بر سقوط حدّ و رفع مسئولیت به واسطه‌ی اضطرار، بیانگر لزوم توجه قاضی به خصوصیات فردی مرتکب و اوضاع و احوال ارتکاب جرم نیز می‌باشد (محقق داماد یزدی، ، ۱۴۰۶ هـ ق ، ۱۳۱)

ه) توبه مجرم

بنابر مشهور، بلکه اجماع ادعا شده، توبه کردن بزهکار پیش از اقامهٔ بینه موجب سقوط حد از او می‌گردد، بر خلاف توبه بعد از اقامهٔ بینه و یا بعد از اقرار. البته در فرض دوم (توبه بعد از اقرار) بنابر مشهور امام بین عفو و اقامهٔ حد مخیر است. برخی در فرض اقرار، مطلقاً برای امام قائل به تخییر شده‌اند؛ هرچند مجرم توبه نکرده باشد. همچنین انکار بعد از اقرار به سبب حدّ رجم، موجب سقوط حد می‌گردد (هاشمی شاهرودی ، ۱۴۲۶ هـ ق ، ۲۵۶)

دیه، قصاص، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی گردد. (متن قانون مجازات اسلامی فصل یازدهم)

در زمان حضرت امیرالمومنین (ع) در پی اصرار زانی به اقرار به زنا، بعد چهار بار اقرار، حکم حد را بر او جاری کرد و با عصبانیت فرمود: «ما اقبح بالرجل منکم ان یأتی بعض هذه الفواحش، فیفضح نفسه علی رؤوس الملاء، أفلا تاب فی بیته؟ فوالله لتوبته فیما بینه و بین الله أفضل من إقامتی علیه حد» چقدر زشت است که مردی از شما مرتکب چنین اعمال زشتی شود و پس از آن، خود را در ملأ عام رسوا کند. پس آیا توبه در خانه اش بهتر نبود؟ به خدا قسم، هر آینه توبه ی وی بین خود و خدا، بهتر از اقامه حد به وسیله من بر او است (مقیمی حاجی، شماره ۵۲، ۸۹)

(و) اصل تعزیری بودن مجازات

سیاست جنایی تقنینی در زمینه جرائم حدی باید با غایت انگاری ذاتی کیفرها، اصل را بر متغیر بودن آنها گذاشته و به تبع آن در مصادیق مشتبه میان حد و تعزیر، اصل را بر تعزیری بودن آن مصادیق قرار دهد. همچنین دکترین حقوقی و فقهی باید روش ضابطه مندی جهت استخراج، استنباط و اجتهاد مصادیق و آثار حدود و قواعد ناظر به آن ارائه دهد (غلامیان زالی، ۱۳۹۷، ص ۹۱)

(ج) تحولات اجتماعی و تغییر موضوع بعضی مجازات‌ها

تحولات اجتماعی در علوم مربوط به جرم‌شناسی و نحوه پیش‌گیری از آنها و روان‌شناسی مجرمین و نحوه اصلاح و تربیت آنان پدید آمده است، به نحوی که دیگر شیوه‌های گذشته در جوامع کنونی آثار مورد نظر شارع را نخواهد داشت و چه‌بسا ممکن است گفته شود با شیوه‌های جدید زودتر و بهتر هدف اصلی شارع از تشریع بعضی مجازات‌های رایج، محقق می‌شود. با توجه به جهات مذکور اگر فقیه توانست از ادله مربوطه چنین استنباطی بنماید، یعنی از آن جهت که مصالح و مفاسد بعضی احکام مذکور، که به منزله موضوع آنها می‌باشند، تغییر یافته و درحقیقت موضوع حکم تغییر یافته است، می‌تواند طبق تغییر مصالح و مفاسد و موضوع بعضی احکام ذکر شده به تغییر حکم نظر دهد. ولی باید کاملاً مستند به آیات و روایات و ضوابط اجتهاد باشد، نه براساس تأثیر از جو و شرایط موجود. (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۹ ه. ق. ۸۲ تا ۸۷)

(ح) عفو

عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه با مقام رهبری است. عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و

آثار محکومیت نیز زائل می شود. عفو، همه آثار محکومیت را منتفی می کند لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد.

خ) نسخ قانون

نسخ قانون، تعقیب و اجرای مجازات را متوقف می کند.

چ) گذشت شاکی

گذشت شاکی در جرائم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است

ک) مرور زمان

متن قانون مجازات اسلامی فصل یازدهم)

گ) توجه به شرایط زمانی و مکانی

در روایت موثقه غیاث بن ابراهیم از حضرت امیر علیه السلام آمده است: «لا اقیم علی رجل حداً بأرض العدو حتی یخرج منها مخافه أن تحمله الحمیه فیلحق بالعدو.» لحن روایت که حضرت می فرماید: «لا اقیم ...» ظهور در این دارد که آن حضرت از جهت حاکمیت خود می فرماید: من حدی را بر کسی در سرزمین دشمن اجرا نمی کنم به علت آن که ممکن است چنین شخصی در اثر حمیت و احساسات تند ملحق به دشمن شود؛ نه از آن جهت که در مقام بیان حکم ثابت الهی باشند. این تعلیل دلالت بر این می کند که هر حاکم به حقی اگر در اجرای حدی مفاسدی را تشخیص داد نباید آن را اجرا کند. بنابراین اگر برخی حدود با کیفیت ویژه آن در منطقه ای خاص یا در همه مناطق و یا در برهه ای از زمان موجب تنفر افکار عمومی از اسلام و احکام آن و در نتیجه، تضعیف اساس دین گردد، حاکمیت اسلامی یا متوالی حوزه قضا می تواند - بلکه موظف است - اقامه آن حد را تا زمان توجیه افکار عمومی نسبت به مقررات و حدود اسلامی و علت وضع آنها تعطیل نماید.

ص) تراحم مصالح

در صورت تراحم بین مصلحت اجرای حدود، خصوصاً اعدام حدی و مصلحت مزاحم دیگر، در صورتی که مصلحت مباین بیش از مصلحت اجرای اعدام حدی باشد، اعدام حدی اجرا نخواهد شد؛ از سوی دیگر، اجرای حدود شرایطی دارد که عدم وجود یا تعدیل زمینه های ارتکاب جرم را در جامعه می توان از جمله این شرایط دانست (طارمی، ۱۳۷۶: ۶)

ض) اهمیت حفظ آبرو

با این حال در بحث حدود و تعزیرات به حفظ حیثیت و آبروی افراد توجه شده است. ما در هیچ یک از قوانین دنیا نمی‌بینیم که حفظ آبروی مردم بر عهده حاکم و دادگاه و دولت باشد. کما اینکه حفظ اخلاق و عقیده و ایمان بر عهده آنها نیست. فقط نسبت به حفظ مسائل جسمی می‌پردازند. اما در اسلام مسأله مهم، حفظ معانی و روحیات است (حسینی تهرانی، ۱۴۲۱ هـ ق، ۲۱۶) در جایی که پای آبروی افراد در میان است مثل زنا می‌بینیم که وقتی زانی و یا زانیه چهار بار اقرار به زنا کنند، اینگونه اقرار موجب رجم و قتل است. اما در موردی که پس از اقرار مذکور انکار نمایند، این انکار موجب سقوط رجم و قتل می‌شود و حاکم شرع مکلف است که حکم به شلاق نماید. (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷ هـ ق، ۱۰۱).

ط) اجرای حدود تحت ید حاکم واجد شرایط

یجب علی الحاکم إقامة حدود الله تعالی بعلمه، کحد الزنا. أما حقوق الناس، فتقف إقامتها علی المطالبه، حدا کان أو تعزیرا. جمع کثیری از علماء را اعتقاد آن است مجتهد جامع الشرائط عادل می‌تواند در زمان غیب اجراء جمیع حدود بکند حتی دست بردن و گردن زدن، و سنگسار کردن، و بر دار کشیدن، و بعضی گفته‌اند: حدودی که به کشتن نرسد جاری می‌تواند کرد، و بعضی گفته‌اند: آن چه منتهی به جراحت شود نیز نمی‌تواند کرد، و بعضی گفته‌اند: حد زدن مطلقا کار امام صلوات الله علیه و نایب خاص او است، و مجتهد هیچ حدی را نمی‌تواند زد، و مسأله خالی از اشکال نیست، و تحقیق این مسأله پر ضرور نیست، زیرا که هر مجتهدی برای خود عمل خواهد کرد (مجلسی دوم اصفهانی، اول، هـ ق، ۵۸؛ بهجت گیلانی، فومنی، ۱۴۲۶ هـ ق، ۴۴۶؛ منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۹ هـ ق، ۸۰، موسوی خلخالی، ۱۴۲۲ هـ ق، ۱۱۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطروحه می‌توان به این نتیجه رسید تفاوت در دیدگاه‌های مکاتب دیگر با اسلام ریشه در فلسفه مجازات دارد. در اندیشه‌های مکاتب مختلف مبتنی بر نظریات تشفی خاطر و ارضا؛ جبران خسارت، نظریه فایده اجتماعی، کاهش جرم، پیشگیری و ارباب؛ اصلاح و تربیت مجرمان؛ مکتب عدالت مطلقه است اما فلسفه مجازات در اسلام، نخست تجلی رحمت الهی نسبت به مجرم؛ که شامل سه مولفه کاهش عذاب اخروی و کفاره گناه و تهذیب مجرم و اصلاح و تربیت است دوم تجلی رحمت الهی نسبت به غیر مجرم است که دارای سه مولفه حفظ نظام اجتماعی، بازدارندگی و تحقق عدالت است.

لذا می توان استنباط کرد که آنچه در اسناد بین المللی حقوق بشر مطرح است مخالفت با مجازات های شدید و خشن می باشد که مغایر با کرامت انسانی است. بدون تردید منظور از ممنوعیت مجازات های غیر انسانی و خشن؛ آن دسته از مجازات هایی است که طبق قوانین جزایی و عادلانه تحمیل می شود که طبق کنوانسیون ها مطروحه؛ مجازات هایی که لازمه ی ذاتی یا تبعی اجرای قانون باشد از چنین ممنوعیتی خارج هستند.

دین اسلام همه ی جوانب حیات بشر را در نظر گرفته و از جهت احکام و قوانین کاملاً غنی و بی نیاز است. قطعاً در وضع قوانین جزایی که جان و آبروی انسان در میان است طبق قاعده فقهی «حرمت خون مسلمان» که برگرفته از آیات و روایات می باشد؛ دقت بیشتری دارد تا خون و حرمت انسانی پایمال نگردد. مدارک و شواهد زیادی در قرآن و روایات وجود دارد که بیانگر مسامحه و تسهیل (تولرانس دینی) در اجرای مجازات ها می باشد. از جمله این که برای تخفیف و یا حتی لغو مجازات ها به عناصری چون توبه، کامل بودن شرایط تحقق جرم (مثل سرقت)، وجود شبهه چه از طرف قاضی و چه از طرف متهم، تقدم مصلحت حفظ نظام اسلامی بر مصلحت اجرای حدود، تبدیل مجازات به پرداخت غرامت، عفو بخشش اولیاء دم، توجه به مصالح زانی و مکانی و از همه مهم تر این که اجرای مجازات ها زیر نظر عالی ترین مقام قضایی یعنی قاضی جامع اشراط می باشد. لذا بنابه مراتب، چنین استنباط می شود که بر اساس آیات و روایات؛ شریعت اسلام به صورت جامع الاطراف به قوانین جزایی عنایت داشته است و این چنین برتری قوانین حاکم بر احکام جزایی اسلام؛ بر قوانین جزایی در نظام بین الملل حقوق بشر مورد اثبات است.

منابع

- بهجت گیلانی، فومنی، محمد تقی. (۱۴۲۶ ه.ق). **جامع المسائل (بهجت) (جلد ۲)**. قم: دفتر معظم له.
- بهجت گیلانی، فومنی، محمد تقی. (۱۴۲۸ ه.ق). **استفتاءات (بهجت) (جلد ۴)**. قم: دفتر حضرت آیه الله بهجت.
- جباری، فاطمه. (۱۳۹۸). **فلسفه مجازات در اسلام؛ ترکیبی از گذشته گرا و آینده گرا**. فصلنامه علمی پژوهشی **نامه الهیات**، ۱۲، (۴۸)، ۴۲-۱۷.
- جعفری تبریزی، محمد تقی. (۱۴۱۹ ه.ق). **رسائل فقهی (علامه جعفری)**. تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۶ ه.ق). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام (جلد ۳)**. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- جمعی از مؤلفان. (ه.ق). **مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی) (جلد ۳۹، ۴۰، ۵۱، ۵۴)**. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۲۱ ه.ق). **ولایت فقیه در حکومت اسلام (جلد ۴)**. مشهد: انتشارات علامه طباطبائی.

- حسینی شیرازی، سید صادق. (۱۴۲۵ ه.ق). **التعلیقات علی شرائع الإسلام (جلد ۲)**. قم: انتشارات استقلال.
- حیدری پور، مریم. (۱۳۹۹). بررسی ضمانت‌های منع شکنجه در اسناد بین‌الملل بشر و قوانین و مقررات ایران. **پژوهشنامه حقوق تطبیقی**، ۴، ۱۵۷-۱۸۴.
- دپارتمان حقوق. (۱۳۹۸). **گزیده‌ای از اسناد بین‌المللی**. تهران: مؤسسه علمی-فرهنگی مدرسان شریف.
- راعی، مسعود. (۱۳۸۱). خشونت؛ احکام اسلامی و کنوانسیون‌های بین‌المللی. **نشریه معرفت**، ۵۸، ۵۳-۶۷.
- ربانی، محمد حسن. (۱۳۸۳). قاعده درء. **فصلنامه فقه**، ۳۷، ۵.
- رضایی، عصمت الله. (۱۴۰۰). بررسی ممنوعیت شکنجه در حقوق بین‌الملل و فقه اسلام. **فصلنامه یافته‌های فقهی معارفی**، ۲، ۴۷.
- طارمی، محمد حسین. (۱۳۷۶). اعدام در نظام‌های کیفری. **دو هفته نامه پگاه حوزه**، ۶، ۲۱۰.
- عاملی، بهاء الدین، محمد بن حسین و ساوجی، نظام بن حسین. (۱۴۲۹ ه.ق). **جامع عباسی و تکمیل آن (محشّی)**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- غلامیان زالی، صمد. (۱۳۹۸). تأملی بر بسط آثار و مصادیق حدود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. **نشریه فقه و اصول دانشگاه فردوسی مشهد**، ۵۱ (۳)، ۷۱-۹۴.
- فجری، علیرضا. (۱۳۸۹). نگاهی گذرا به لایحه مجازات‌های اجتماعی. **نشریه معرفت**، ۱۴۸، ۱۱۱-۱۲۴.
- قاضی زاده، کاظم، رنجبر، فضل الله، و رحمان ستایش، محمد کاظم. (۱۴۰۲). دیدگاه قرآن نسبت به تقیه و تحدید مجازات‌های بدنی با نگاهی به روایات و احادیث. **مجله مطالعات قرآنی**، ۵۳، ۸۴-۹۵.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ه.ق). **الکافی (جلد ۷)**. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کمیسیون حقوق بشر اسلامی. (۱۳۸۹). **ده گفتار در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر**. قم: انتشارات آیین احمد.
- مجلسی دوم اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی. (ه.ق). **حدود و قصاص و دیات (مجلسی)**. تهران: مؤسسه نشر آثار اسلامی.
- محقق داماد یزدی، سید مصطفی. (۱۴۰۶ ه.ق). **قواعد فقه (جلد ۴)**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرعشی شوشتری، سید محمد حسن. (۱۴۲۷ ه.ق). **دیدگاه‌های نو در حقوق (جلد ۱)**. تهران: نشر میزان.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱). **نظریه حقوقی اسلام**. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مقیمی حاجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). فلسفه مجازات در اسلام. **فصلنامه فقه اهل بیت**، ۵۲، ۷۱-۱۰۵.
- منتظری نجف‌آبادی، حسین علی. (۱۴۲۹ ه.ق). **حکومت دینی و حقوق انسان**. قم: ارغوان دانش.
- موسوی خلخالی، سید محمد مهدی. (۱۴۲۲ ه.ق). **حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

Ogbu, O. N. (2005). Punishments in Islamic criminal law as antithetical to human dignity: The Nigerian experience. *International Journal of Human Rights*, 9(2), 165-182

Suma, M. (2014). **The politics of the death penalty in post-conflict Sierra Leone: An opportunity for reform or a missed opportunity**. In M. Futamura & N. Bernaz (Eds.), *The politics of the death penalty in countries in transition* (pp. 157). Routledge.

- United Nations. (1984). **Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment. United Nations General Assembly.** <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/convention-against-torture-and-other-cruel-inhuman-or-degrading>
- United Nations. (1948). **Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide. United Nations General Assembly.** https://www.un.org/en/genocideprevention/documents/atrocities-crimes/Doc.1_Convention%20on%20the%20Prevention%20and%20Punishment%20of%20the%20Crime%20of%20Genocide.pdf.
- United Nations. (1973). **International Convention on the Suppression and Punishment of the Crime of Apartheid. United Nations General Assembly.** <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-convention-suppression-and-punishment-crime-apartheid>
- International Committee of the Red Cross. (1949). **Geneva Convention relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War (Fourth Geneva Convention).** International Committee of the Red Cross. <https://ihl-databases.icrc.org/ihl/INTRO/380>.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: الله وردی زهره، پورخاقان زینب، انصاری علی رضا، بررسی تطبیقی وضعیت مجازات بدنی ادبیات قرآنی با اسناد حقوق بشر، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۷۶، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۱۹۱-۲۱۴.